



Volume 1, Issue 1, 2021

Comparative Study of the Principle of Individualization of Punishments in Islamic Criminal Jurisprudence and Iranian Law

Reza Foroutan^{1*} Seyed Mohammad Reza Emam²

1. PhD Student, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran

2. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Law, Faculty of Theology, University of Tehran, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 67-82

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-2405-724X

TELL: +989121334606

Email: Foroutan133@gmail.com

Article history:

Received: 03 Jan 2021

Revised: 09 Feb 2021

Accepted: 21 Feb 2021

Published online: 21 Mar 2021

Keywords:

The Principle of Individualization, Rehabilitation, Repent, Ta'zir, Pleading.

ABSTRACT

The principle of individualizing, is something new in criminal law in western countries, but has a long history in Islam. This principle is the result of paying attention to the character of criminals in the beginning of 19th century. According to this principle, punishment should coincide with the criminal's character and the conditions of the crime. Islam had this principle embedded from the beginning, and provided measure to bring into account criminal's character. This principle, from the beginning of legislation (After the Islamic Revolution), has not been fully executed, but in the new law, the legislator has taken this into account. The goal of this article is to describe this principle according to the Islamic Jurisprudence principles that are accepted and passed in the 1392 Islamic criminal code and to analyze it to show the advantages, innovations, and disadvantages to make corrections to it in the future.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2021 The Authors.

How to Cite This Article: Foroutan, R & Emam, MR (2021). "Comparative Study of the Principle of Individualization of Punishments in Islamic Criminal Jurisprudence and Iranian Law". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 1(1): 67-82.



دوره اول، شماره اول، بهار ۱۴۰۰

مطالعه تطبیقی اصل فردی کردن مجازات‌ها در فقه جزایی اسلام و حقوق ایران با نگاهی به تحولات قانون مجازات اسلامی

رضا فروتن^{۱*}، سید محمدرضا امام^۲

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

۲. دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

اصل فردی کردن مجازات‌ها که به عنوان تأسیسی نوین در حقوق کیفری غرب شناخته می‌شود، در فقه جزایی اسلام دارای سابقه‌ای طولانی است. این اصل در حقوق عرفی، محصول توجه قانون‌گذاران به شخصیت مجرم و از دستاوردهای اواخر قرن نوزدهم می‌باشد. به موجب این اصل، مجازات باید بر شخصیت مجرم و شرایط ارتكابی جرم وی منطبق باشد. اسلام از ابتدای تشریع مبانی کیفری خویش، اجرای اصل فردی کردن مجازات‌ها را در نهادها و مراحل گوناگون، پیش‌بینی نموده و تدابیر لازم را در راستای توجه به شخصیت بزه‌کار به کار بسته است. این اصل که در قوانین کیفری ایران از بدو قانون‌گذاری تا به حال مورد توجه بوده، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز به طرز گسترده‌تری، مورد پیش‌بینی قانون‌گذار قرار گرفته است. لذا، در این مطالعه تطبیقی، ضمن تبیین جایگاه و مبانی فقهی-حقوقی این نهاد مترقی، اقدامات صورت پذیرفته در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته تا ضمن برشمردن موارد مثبت و نوآوری‌ها در قالب نهادهای جدیدی چون تعویق صدور حکم و ... و با ارایه پیشنهاداتی نظیر به‌کارگیری تأسیساتی چون نهاد شفاعت و توبه، ایرادات و نواقص قانون مزبور نیز به منظور اصلاحات بعدی قانون‌گذار، مشخص گردد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۶۷-۸۲

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۷۲۴X-۲۴۰۵-۰۰۰۳-۰۰۰۰

تلفن: ۹۸۹۱۲۱۳۳۴۶۰۶+

ایمیل: Foroutan133@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۴

تاریخ ویرایش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

اصل فردی کردن مجازات‌ها، اصلاح و درمان، توبه، تعزیر، شفاعت.



مقدمه

نظر به تحولاتی که در دهه‌های اخیر، در آموزه‌های حقوق کیفری، به ویژه تغییراتی که در راستای چگونگی تعیین و اجرای مجازات‌ها بوجود آمده، شاهد ارائه نظریات جدیدی در این باب هستیم. این رهیافت‌ها دیگر اجرای مجازات‌های ثابت، سخت و سنگین را موجب کاهش پدیده مجرمانه نمی‌دانند. بلکه در کنار اصل لزوم واکنش‌های کیفری بر انعطاف‌پذیری مجازات‌ها، جرم‌زدایی و قضازدایی از بعضی انحرافات اجتماعی تأکید می‌کنند.

به بیانی دیگر، امروزه و در اثر تحولات مکاتب مختلف حقوق کیفری، شاهد عزیمت از مجازات‌های ثابت و سخت به مجازات‌های متغیر و منعطف می‌باشیم (پرادل، ۱۳۸۸: ۶۰). این تغییر دیدگاه در وضع و اجرای مجازات‌ها، از مکتب کلاسیک تا نئوکلاسیک و نیز مکاتب امروزی، در اثر پیدایش اصل فردی کردن مجازات‌ها در اواخر قرن نوزدهم میلادی بوده است تا با تطبیق هرچه بیشتر مجازات با شخصیت مجرم به اصلاح و درمان مجرمین و در نتیجه کاهش پدیده مجرمانه نائل آییم.

فردی کردن واکنش کیفری، در معنای اعم آن عبارت است از: «تعیین نوع، میزان و نحوه تحمیل واکنش کیفری بر بزه‌کار بر اساس مصلحت وی و جامعه» (فلچر، ۱۹۹۹: ۷۶). به بیانی دیگر منظور از فردی کردن مجازات‌ها این است که در عین رعایت اصل قانونی و شخصی بودن مجازات، قاضی بتواند با رعایت اوضاع و احوال اجتماعی، جسمی و روانی مجرم، برای مجرمین متعددی که مرتکب جرم واحد شده‌اند، مجازات‌های مختلف تعیین نماید.

اما فردی‌سازی در معنای اخص آن (تفرید قضایی)، تصحیح مجازات مجرم مبتنی بر نیازهای وی، به عنوان یک فرد و بر اساس تشخیص دادگاه می‌باشد (والکر، ۱۹۸۵: ۵۴). این تعریف علاوه بر اندیشه‌های اصلاحی و درمانی فردی کردن مجازات، کارکردهای دیگری از جمله ناتوان سازی، بازدارندگی و حتی گاهی اوقات رعایت بیشتر سزادهی را- از آنجا که تصحیح مجازات مبتنی بر فردی‌سازی، موجب تشدید مجازات فردنیز می‌شود- به نحو جامع در بر می‌گیرد.

از نخستین جریانی که در دوره حقوق کیفری لیبرال، به فردی کردن کیفر گرایش نشان داده است تا مکتب تحقیقی و بعد از آن مکتب دفاع اجتماعی نوین، همگی بر این گزاره تأکید می‌ورزند که باید در فرایند «قضایی کردن» اختیارات بیشتری به قاضی اعطا گردد (آنسل، ۱۳۶۶: ۸۴) تا قاضی بتواند بر اساس ویژگی‌های شخص بزه‌کار، کیفر را به نحوی عادلانه تخفیف و یا تشدید نماید (مارتینز، ۱۳۸۲: ۲۰۹).

امروزه اصل فردی کردن مجازات‌ها تاحد زیادی موجب تعدیل اصل تساوی مجازات‌ها شده است. به عبارت دیگر، طبق اصل تساوی قانونی (تقنینی) همه افراد در برابر قانون مساوی هستند، اما اصل تساوی کیفر (قضایی- اجرایی) امر دیگری است که طبق آن، همه افراد از حیث این که در ازای ارتکاب جرم کیفر می‌بینند مساوی هستند نه اینکه لزوماً کیفر مساوی ببینند. در حقیقت اصل تناسب مجازات با جرم (جرم محور) جای خود را با اصل تناسب مجازات با مجرم (مجرم محور)، که در راستای اندیشه‌های اصلاح و درمان و در مسیر توجه به بزه‌کار و شخصیت او است، تغییر داده است.

قانون‌گذار کشورمان نیز با عنایت به یافته‌های جرم‌شناسی دهه‌های اخیر، با نگرشی پویاتر، سیاست تفرید مجازات‌ها را مدنظر قرار داده و به ویژه در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، اجرای اصل فردی کردن مجازات‌ها را در قالب قوانین و تأسیساتی جدید، عملیاتی نموده است.

اما هدف این تحقیق، ناظر به یافتن پاسخی به این پرسش‌ها است که اصل فردی کردن مجازات‌ها دارای چه جایگاهی در فقه جزایی اسلام و به تبع آن حقوق ایران است؟ مبنای آن چیست؟ و جلوه‌های آن در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) کدام است؟ به منظور پاسخ به این پرسش‌ها، نخست با مطالعه‌ای تطبیقی انواع فردی کردن کیفر در فقه جزایی اسلام و حقوق ایران را تبیین نموده و پس از آن مراحل فردی کردن مجازات‌ها را در گفتار بعدی مورد بررسی قرار می‌دهیم، سپس مبنای اصل فردی کردن مجازات‌ها را در دو محور فقهی و حقوقی- جرم‌شناختی تبیین خواهیم نمود و در آخر به جلوه‌های اصل فردی کردن مجازات‌ها در قانون مجازات اسلامی - مصوب ۱۳۹۲- خواهیم پرداخت.

۱- انواع فردی کردن کیفر در فقه جزایی اسلام و حقوق ایران

اصل فردی کردن مجازات‌ها^۱ دارای انواع مختلفی می‌باشد که در پرتو توضیح و تبیین آنها، با جایگاه این اصل در فقه جزایی اسلام و حقوق کیفری ایران بیشتر آشنا خواهیم شد. فردی کردن مجازات‌ها به اعتبار زمان و مکان اعمال آن از انواع خاصی برخوردار می‌گردد که هرکدام از آنها نیز تابع قواعد مختص خود می‌باشد. به عنوان نمونه به فردی کردن حین قانون‌گذاری و در قوه مقننه تفرید تقنینی یا نوعی-تشریعی گفته می‌شود. انواع دیگر اصل فردی کردن نیز از همین الگو تبعیت می‌کنند که در ذیل به ترتیب خواهد آمد.

۱-۱- تفرید تقنینی مجازات (نوعی-تشریعی)

در برخی موارد قوه مقننه با توجه به شرایط، اوضاع و احوال خاص ناظر به جرم، مجازات‌های شدیدتر یا ملایم‌تری را برای اعضاء طبقات خاص برقرار می‌کند. این کار با تنظیم مواد معین در قانون، توجه به شخصیت مجرم و رعایت مصالح مورد نظر وی و جامعه، در قالب نهادهای مختلف حقوقی و قانونی فراهم می‌شود.

در این راستا می‌توان به وضع قوانین خاص به منظور اعمال تخفیف یا تشدید مجازات، مثل قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام- در جایی که جرم کلاهبرداری به اعتبار کارمند بودن مرتکب، کلاهبرداری مشدد محسوب می‌شود- همچنین تعیین حداقل و حداکثر مجازات، دستور العمل برای آزادی مشروط، تعلیق تعقیب و اجرای حکم اشاره داشت. از دیگر نمونه‌ها نیز ماده ۱۲۸ قانون مجازات اسلامی جدید (مصوب ۱۳۹۲)- از این به بعد «ق.م.ا»- است که بیان می‌دارد: «هرکس از فرد نابالغ به عنوان وسیله ارتکاب جرم مستند به خود استفاده نماید به حداکثر مجازات قانونی همان جرم محکوم می‌گردد. همچنین هرکس در رفتار مجرمانه فرد نابالغی معاونت کند به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود.» تبصره ۲ ماده ۱۲۷ ق.م.ا نیز بیانگر همین مورد است.

تفرید تقنینی مجازات، اولین و مهمترین مرحله فردی‌سازی محسوب می‌شود زیرا بدون پیش‌بینی و رعایت اصل فردی کردن در متن قوانین و مقررات، اجرای این اصل در مراحل بعدی فردی‌سازی عقیم می‌ماند. در این نوع از تفرید، در برخی موارد مقنن درنوع و میزان مجازات^۲ و گاه در معافیت از مجازات^۳ فرق می‌گذارد. در برخی موارد دیگر نیز در اجرای مجازات‌ها^۴ تفاوت قائل می‌شود.

۱-۲- تفرید قضایی مجازات (قضایی)

قاضی با استفاده از اختیارات معین و اختیارات کلی که قانون به او تفویض کرده است، همچنین با مطالعه اوضاع و احوال ارتکاب جرم، شخصیت و سوابق بزه‌کار، با اعمال کیفیات مخففه یا مشدد درباره بزه‌کار، متناسب ترین عکس‌العمل کیفری علیه او را به کار می‌بندد. در این زمینه مواد زیر قابل توجه خواهد بود:

- ماده ۱۳۷ ق.م.ا: مقررات مربوط به تکرار جرم در جرائم سیاسی و مطبوعاتی و جرائم اطفال اعمال نمی‌شود.

- ماده ۵۶ ق.م.ا: در حبس‌های تعزیری درجه پنج تا هفت دادگاه صادر کننده حکم قطعی می‌تواند مشروط به گذشت شاکی و سپردن تأمین مناسب و تعهد به انجام یک فعالیت شغلی، حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی یا درمان اعتیاد یا بیماری که در فرآیند اصلاح یا جبران خسارت وارد بر بزه‌دیده مؤثر است، محکوم را با رضایت وی، تحت نظام نیمه آزادی قرار دهد. همچنین محکوم می‌تواند در طول دوره تحمل مجازات در صورت دارا بودن شرایط قانونی، صدور حکم نیمه آزادی را تقاضا نماید و دادگاه موظف به رسیدگی خواهد بود.

۱- زنای با نابالغ. مطابق ماده ۲۲۸ ق.م.ا (زنای زن محصنه بانابالغ موجب حد تازیانه است در حالی که در حالت عکس، یعنی زنای مرد محصن با دختر نابالغ مستوجب اعدام است).

۲- معافیت به دلیل پدر بودن: مطابق بندج ماده ۲۶۸ ق.م.ا (معافیت پدر از حد سرقت به خاطر سرقت از مال فرزند).

۳- تأخیر در اجرای مجازات: مطابق بند ۲ و ۳ ماده ۴۸۴ ق.آ.د.ک اصلاحی ۱۳۳۷ (درمورد زن حامله یا زنایی که تازه وضع حمل نموده‌اند تا سه ماه بعد از وضع حمل و در مورد زنان شیرده تا دو سالگی فرزندشان، در صورتی که ضرری به طفل برسد اجرای مجازات به تأخیر می‌افتد).

¹ - Individualization of Punishment

کرد و این قول خداوند تبارک و تعالی را تلاوت کرد که «وَ خُذْ بِنَبْذِكَ ضِعْفًا فَاضْرِبْ بِهِ وَ لَا تَحْنُثْ». (حرعاملی، ۱۳۸۷: ۳۲۰/۱۸)

۲- مراحل فردی کردن مجازات‌ها

برخی از اندیشمندان حقوق کیفری، فردی کردن را فقط در مرحله قانون‌گذاری قابل تحقق دانسته‌اند. (بکاریا، ۱۳۷۹: ۱۰۸) برخی این اصل را صرفاً اختیاری برای قضات در دادرسی آن هم محدود به اعمال کیفیات مخففه دانسته‌اند. (پرادل، ۱۳۸۸: ۸۳) برخی با تعیین حد اقل و حد اکثر و اعطای اختیار به قاضی برای انتخاب مجازات مناسب در هر دو مرحله قانون‌گذاری و دادرسی موافق‌اند. (آنسل، ۱۳۶۶: ۲۰) و برخی دیگر علاوه بر دو مرحله قبلی، جاری کردن اصل فردی کردن را در اجرا و اعمال مجازات به عنوان ملموس‌ترین مرحله قضاوت به ویژه در مجازات‌های سالب آزادی، پذیرفته‌اند. (بولک، ۱۳۸۶: ۳۷)

در حقوق کیفری ایران نیز همراه با حقوق عرفی، ابزارهای متفاوتی برای تطبیق هرچه بیشتر مجازات با شخصیت مجرم بکار می‌رود. ابزار فردی کردن مجازات‌ها در حقوق عرفی بسیار متنوع‌تر از گذشته است تا جایی که از مرحله تعقیب تا مرحله اجرای مجازات را در بر می‌گیرد. دادستان، بازپرس، قاضی و مأموران اجرای مجازات در این فرایند نقش خود را ایفا می‌کنند. این ابزارها را می‌توان در سه مرحله پیش از قضاوت، حین قضاوت و پس از قضاوت مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

۲-۱- فردی‌سازی پیش از مرحله قضاوت

فردی‌سازی قبل از مرحله قضاوت شامل اقداماتی می‌شود که عمدتاً در دادسرا صورت می‌پذیرد. برخی از اقدامات در این مرحله مانند تشکیل پرونده شخصیت، در واقع مقدمه فردی‌سازی برای مراحل بعدی است و برخی دیگر از این اقدامات مانند تعلیق تعقیب، فی‌نفسه نوعی فردی‌سازی محسوب می‌شوند. از دیگر ابزارهای متعلق به مرحله پیش از قضاوت می‌توان به أخذ تأمین مناسب و بایگانی کردن پرونده اشاره نمود.

درخصوص تعزیرات در انواع مختلف آن، طبق قاعده «التعزیر بما یراه الحاکم»، به طور کلی در دعاوی عمومی اختیارات وسیع‌تری به قاضی داده می‌شود. لذا اختیار نوع واکنش‌های کیفری سرکوب‌گرانه و غیر کیفری در رعایت اصل فردی کردن، در اختیار دستگاه قضایی قرار می‌گیرد.

کاسانی نیز در تبیین خصیصه قابلیت انعطاف پذیری تعزیرات و فردی بودن آنها می‌نویسد: «المقصود من التعزیر هو الزجر و احوال الناس فی الانزجار علی هذه المراتب المختلفه» (الكاسانی، ۱۴۸۸: ۲۷۱/۷)

۱-۳- تفرید اجرایی مجازات (تنفیذی)

گاه ویژگی‌های بزه‌کاری ایجاب می‌کند در شکل اجرا و میزان مجازات بزه‌کار تجدید نظر شود که این تجدیدنظر باید زیر نظر قاضی انجام گیرد. از مصادیق تفرید اجرایی مجازات‌ها نیز می‌توان به برخی مصادیق تشدید از جمله سلب حق استفاده از آزادی مشروط و مرخصی، زندان انفرادی و اعمال تنبیهاتی مانند دستبند و پابند اشاره نمود.

این نوع کاربرد اصل فردی کردن را که اصطلاحاً «تفرید تنفیذی» یا تفرید در مقام اجرای مجازات می‌نامند، در فقه جزایی اسلام مصادیق فراوانی دارد. به عنوان نمونه می‌توان به این مطلب اشاره داشت که عقوبات مقدر شده و اصلی عبارت است از شلاق، قطع عضو و قتل. در مورد قطع عضو و قتل مجالی برای تفرید تنفیذی نیست اما در مورد شلاق، این نوع تفرید قابل رعایت کردن است. می‌توان جهت رعایت اوضاع و احوال جانی، تعداد آن را بین چند روز تقسیم کرد یا در صورتی که مجرم فردی ضعیف یا بیمار است، یک ضربه شلاق (ضغث) متشکل از ۱۰۰ یا ۸۰ شلاق، متناسب با نوع مجازات بر او زد (حلبی، ۱۹۹۶: ۶۳۱).

همچنین از امام صادق علیه السلام نقل می‌شود که: پیرمرد بیماری که رگ‌های هر دو رانش نمایان بود و شکمش آب آورده بود به جرم ارتکاب زنا با زنی بیمار، به محضر رسول اکرم (ص) آوردند. رسول الله (ص) فرمودند تا خوشه خرما آوردند که صد تراشه بر آن بود و با آن شاخه یک ضربه بر بدن پیر مرد و یک ضربه بر بدن زن نواخت و هر دو را آزاد

۲-۱-۱- تشکیل پرونده شخصیت

فردی کردن مجازات‌ها به قاضی این امکان را می‌دهد که در هر پدیده مجرمانه درکنار پرونده کیفری اقدام به تشکیل پرونده شخصیت برای مجرم بنماید و پس از بررسی تاریخچه فردی مجرم، أخذ نظریات کارشناسی متخصصان علوم مختلف، سنجش میزان سلامتی مجرم، میزان سهم وی در ارتکاب جرم و درنهایت شناخت واقعی شخصیت مجرم، بهترین تدبیر قضایی را با توجه به ویژگی‌های فردی وی اتخاذ نماید. به شکلی که باعث اصلاح و درمان و بازپروری بزه‌کار گردیده و نیز وی را به آغوش جامعه و خانواده‌اش بازگرداند. چون این پرونده شامل اطلاعات مربوط به موقعیت جسمی، روانی و اجتماعی متهم است، این امکان را به قاضی در مرحله رسیدگی می‌دهد تا تصمیمات فردی ساز خود را اتخاذ نماید. بنابراین ضروری است در مورد کلیه جرایم به ویژه جرائم مهم، انجام آزمایش‌های مختلف برای تشخیص شخصیت متهم الزامی تلقی شود.

۲-۱-۲- أخذ تأمین مناسب

صدور قرارهای تأمین نیز نوعی اقدامات مقدماتی برای أخذ تصمیم مقتضی قضایی، در مرحله بعدی است. به عنوان مثال ماده ۱۳۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، پیش‌بینی می‌کند که قرارهای تأمین علاوه بر تناسب با شرایط جرم و مجازات، دلایل اتهام، احتمال فرار متهم و از بین رفتن آثار جرم باید با سابقه متهم و وضعیت مزاج، سن و جنسیت او نیز تناسب داشته باشد. (آشوری، ۱۳۷۹: ۱/۱۳۷) تنوع قرارهای تأمین در فردی‌سازی این مرحله از دادرسی، نقش بسزایی خواهد داشت.

۲-۱-۲- تعلیق تعقیب^۱ و بایگانی پرونده

اصولاً قانون‌گذار شرایطی را برای تعلیق تعقیب پیش‌بینی می‌کند که توجه به آنها موجب فردی کردن تعقیب می‌گردد. همچنین این امکان وجود دارد که به منظور فردی کردن تعقیب، آن را با برخی اقدامات جبرانی یا تنبیهی جایگزین کرد. (آشوری، ۱۳۷۹: ۱/۲۳۲) بایگانی کردن پرونده نیز در مقررات مختلف کیفری ایران اقدام دیگری جهت فردی

کردن تعقیب محسوب می‌شود. در تمامی این قوانین به دادستان اختیار داده شده است در صورتی که متهم برای بار اول مرتکب جرم شده باشد، با جایگزینی اقداماتی مثل وعظ، تهدید یا أخذ تعهد، اقدام به بایگانی کردن پرونده نماید.

۲-۲- فردی‌سازی حین مرحله قضاوت

مهمترین وجه این مرحله مربوط به اختیارات قاضی در تعیین نوع و میزان مجازات است. با وجود این در نظام کیفری ایران، نهاد توبه را نیز می‌توان یکی از اقدامات فردی‌سازی در مرحله قضاوت تلقی نمود. رسیدگی به جرم در دادگاه‌های اختصاصی نیز نوعی ابزار فردی ساز در این مرحله است.

۲-۲-۱- اختیارات قاضی در تعیین مجازات

به طور خلاصه اختیار تعیین مجازات بین محدوده مشخص، انتخاب نوع مجازات، تبدیل مجازات، تقسیط مجازات و تشدید یا تخفیف قضایی مجازات از نمونه‌های شناخته شده این اختیارات در حقوق عرفی است. از آنجا که مهم‌ترین مرحله فردی‌سازی کیفر، مربوط به همین اختیارات است. اهمیت موضوع، قانون‌گذار فرانسوی را بر آن داشته تا ماده‌ای مستقل را در مقررات عمومی قانون مجازات ۱۹۹۴ این کشور به این امر اختصاص دهد. قانون فوق مقرر می‌دارد: «دادگاه در محدوده مقرر شده توسط قانون‌گذار حکم به مجازات می‌دهد و رژیم اجرای آن را مطابق با اوضاع و احوال جرم و شخصیت مرتکب تعیین می‌نماید.» در حقوق کیفری ایران نیز با توجه به قاعده «بما یراه الحاكم» بودن مجازات در قلمرو تعزیرات، امکان فردی‌سازی مجازات مهیا است. (یزدیان جعفری، ۱۳۹۱: ۵۵)

در کتاب شریف غایه المراد نیز در این زمینه آمده است: «از وجوبات یکی مجازات شخصی است که مرتکب فعل حرام گشته لکن حدودی برای آن در شریعت مشخص نشده است، لذا قاضی موظف به صدور حکم مجازات در مورد آن می‌باشد.» (شهید اول، ۱۴۱۴: ۱۰۳)

۲-۲-۲- نهاد توبه

پس از انقلاب و به تأسی از فقه امامیه، توبه در مقررات کیفری ایران پیش‌بینی شده است. در غالب مجازات‌های حدی، توبه در صورتی مؤثر است که قبل از اثبات جرم باشد.

1. Suspension of pursuit.

مبنای شرایط اجرای کیفر قابل تغییر است. پس اگر بناست که کیفر فردیت یابد، این امر باید بر مبنای فرد تنبیه شده صورت گیرد. آزادی مشروط، عفوهای خاص و قاضی اجرای مجازات‌ها، مهمترین تأسیساتی است که پس از صدور حکم برای فردی‌سازی کیفر پیش‌بینی شده‌اند. (یزدیان جعفری، ۱۳۹۱: ۵۷)

۲-۳-۱- آزادی مشروط

فرض آزادی مشروط بر آن است که قاضی هنگام تعیین مجازات از واکنش مجرمان بی‌اطلاع است. این واکنش تنها پس از آنکه مجرم مدتی را در زندان به سر برد ظاهر می‌شود. لذا در صورت مثبت بودن واکنش مجرم و اصلاح وی ضرورتی به اتمام بقیه مدت حبس وجود ندارد و می‌توان زندانی را آزاد کرد. (صانعی، ۱۳۷۴: ۳۰۲) به منظور اینکه رفتار اصلاحی در مجرم نهادینه شود، برای مدتی پس از آزادی نیز نظارت‌هایی به صورت برقراری برخی تعهدات و تکالیف سلبی و ایجابی برای زندانی آزاد شده در نظر گرفته می‌شود.

از مزایای دیگر آزادی مشروط این است که با توجه به نتایج حاصله در شخصیت و رفتار محکوم از زمان انشاء حکم تا اجرای مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی، عکس‌العمل دستگاه قضایی نسبت به محکوم مورد بازبینی قرار گیرد، تا هم رویکرد اصلاحی نسبت به محکوم رعایت شود و از عیوب زندان پرهیز گردد و هم در مخارج عمومی صرفه‌جویی شود. البته ناگفته نماند که آزادی مشروط، از دیرباز در نظام کیفری ایران مطرح بوده است. مواد ۳۸ تا ۴۰ قانون مجازات اسلامی سابق (مصوب ۱۳۷۰) نیز به این موضوع اختصاص داشت. اما ایراد آن، این بود که نهادی برای احراز تخطی از تکالیف تعیین شده توسط محکوم آزاد شده پیش‌بینی نشده بود. بی‌تردید نهادی که از عنصر ذاتی خود یعنی نظارت بی‌بهره باشد، نمی‌تواند به اهداف خود نائل آید.

۲-۳-۲- عفوهای خاص

برخی از انواع عفو با هدف فردی ساختن مجازات پیش‌بینی شده‌اند. عفوهایی که با در نظر گرفتن خصوصیات شخصی محکوم اعطاء می‌شوند و نه مجرد جرم ارتكابی. در ماده ۹۶

قاضی کیفری با احراز این مسأله و از روی نمودهای خارجی آن، حکم به سقوط مجازات می‌دهد. بنابراین، در حدود نیز امکان فردی کردن مجازات‌ها وجود دارد، لکن نوعاً مربوط به پیش از اثبات جرم است و در صورتی که توبه پس از اثبات جرم باشد، در شرایط ویژه (اثبات جرم از طریق اقرار) امکان عفو مجرم توسط ولی امر وجود دارد. بنابراین، اگرچه خاستگاه اصل فردی کردن در تعزیرات است لکن در حدود نیز مشاهده می‌گردد. در خصوص تعزیرات نیز اصولاً مانعی در مؤثر بودن توبه وجود ندارد، چرا که اطلاق موجود در باب توبه، تعزیر را نیز شامل می‌شود. (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۸: ۱۳۳/۲)

قانون‌گذار در مواد ۱۱۳ تا ۱۱۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به این موضوع پرداخته و با تأسی از منابع فقهی به بیان مواضع و شرایط قانونی توبه اقدام نموده است. به عنوان مثال در ماده ۱۱۳ ق.م.ا، توبه را قبل از اثبات جرم مؤثر تلقی نموده و همچنین در صورت اثبات جرم توسط اقرار مجرم، امکان توبه پس از مجرمیت را نیز با احراز شرایطی پذیرفته است. لکن در ماده ۱۱۵ ق.م.ا نظر به عدم سقوط دیات و قصاص بر مبنای توبه داده است.

۲-۳-۲- رسیدگی به جرم در دادگاه اختصاصی

یکی دیگر از ابزارهای فردی‌سازی مجازات‌ها رسیدگی به جرم در دادگاه‌های اختصاصی می‌باشد. با توجه به اهمیت برخی جرایم و سنگینی مجازات‌های آن، همچنین تفاوت‌هایی که برخی متهمین نسبت به یکدیگر دارند، دادگاه‌های اختصاصی به منظور محاکمه‌های عادلانه‌تر تشکیل شده است. از جمله دادگاه‌های اختصاصی، دادگاه‌های نظامی و دادگاه‌های اطفال و نوجوانان است. درمورد دادگاه‌های اطفال و نوجوانان و به منظور فردی ساختن کیفرها، قاضی محکمه لازم است به حقوق اطفال، جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی و روان‌شناسی آشنایی کامل داشته و از لحاظ ویژگی‌های اخلاقی، فردی متین، خون‌سرد و صبور باشد. (دانش، ۱۳۷۸: ۴۹)

۲-۳-۲- فردی‌سازی پس از مرحله قضاوت

فردی‌سازی پس از مرحله قضاوت مبتنی بر این منطقی است که مدت کیفر نه فقط بر مبنای جرم و شرایط آن، بلکه بر

ایجاد واحد پذیرش و تشخیص ماده ۴۳، شناخت زندانیان و طبقه‌بندی آنها ماده ۵۹، تشکیل پرونده شخصیت طبق ماده ۶۰ و استفاده از اطلاعات این پرونده در شورای طبقه‌بندی، جهت تصمیم‌گیری برای شرایط و نحوه اجرای مجازات حبس طبق ماده ۶۲، قابل ذکر می‌باشد. در مورد اجرای جزای نقدی، مهمترین مسأله، عدم توانایی محکوم در پرداخت آن است. برای مقابله با این مشکل در برخی کشورها به جزای نقدی روزانه و یا تقسیط جزای نقدی روی آورده‌اند تا بدین ترتیب مجازات، متناسب با وضعیت مالی محکوم اجرا گردد.

۳- مبانی حقوقی - جرم‌شناختی و فقهی اصل فردی کردن مجازات‌ها

فلسفه پذیرش اصل فردی کردن مجازات‌ها بر مبانی مختلفی استوار است که پرداختن به هریک از آنها مجال خاص خود را می‌طلبد. لذا با توجه به موضوع و رسالت پژوهش حاضر، اولاً بحث را ذیل دو عنوان مبانی حقوقی - جرم‌شناختی و مبانی فقهی دنبال خواهیم نمود و ثانیاً از آنجا که رابطه نزدیک و تنگاتنگی میان مبانی و کارکردهای اصل فردی کردن مجازات‌ها بر قرار است، کارکردهای این اصل را نیز به اختصار و فراخور موضوع، در میان مباحث مربوط به مبانی اصل فردی کردن مجازات، مطرح خواهیم کرد.

۳-۱- مبانی حقوقی-جرم‌شناختی اصل فردی کردن مجازات‌ها

اصل فردی کردن مجازات‌ها نیز همانند دیگر اصول حقوق کیفری و جرم‌شناسی، تابع مبانی مستدل و پذیرفته شده‌ای است که ضرورت و فلسفه وجودی آن را توجیه می‌نماید. در ذیل بنابه اختصار مطالب، اهم این مبانی در ادامه تشریح می‌گردد.

۳-۱-۱- تفاوت در شخصیت، منش، رفتار و موقعیت اجتماعی

مبنای فوق ضرورت واکنش و کیفر متفاوت و فردی شده را نسبت به مجرمینی که به لحاظ فردی و اجتماعی متفاوت هستند، ایجاب می‌نماید.

۳-۱-۲- اجرای عدالت

ق.م.ا. به عفو خاص توسط مقام معظم رهبری اشاره شده است. بدیهی است که این نوع عفو (یا تخفیف مجازات) تنها در صورتی می‌تواند در جهت فردی‌سازی مجازات قرار گیرد که در پیشنهاد ریاست قوه قضائیه، خصوصیات و شخصیت محکوم مورد توجه قرار گیرد والا چنانچه دلایل دیگری مثل افزایش آمار زندانیان و هزینه سنگین زندان بر دوش حکومت، عامل این امر باشد، نه تنها مجرم اصلاح نشده را به صحنه جامعه باز می‌گرداند، بلکه اثر اربابی مجازات را به شدت تنزل می‌دهد. (یزیدیان جعفری، ۱۳۹۱: ۵۸) بندهای ۱ و ۵ ماده ۹ آیین‌نامه کمیسیون عفو و بخشیدگی (مصوب ۱۳۷۳)،^۱ توجه به شخصیت مجرم را جزء شرایط عفو قرار داده است. به علاوه طی ماده ۱۳ قانون‌گذار در پیشنهاد عفو به مواردی از قبیل سن، تأهل، تعداد اولاد، وضعیت معیشت آنها و نیز میزان تأثیر مجازات در روحیه محکوم اشاره می‌کند که مرتبط با فردی‌سازی آن است.

۳-۳-۲- قاضی اجرای مجازات‌ها

یکی دیگر از ابزارهای فردی‌سازی در مرحله پس از قضاوت، قاضی اجرای مجازات‌ها می‌باشد. نهاد قاضی اجرای مجازات‌ها صرفاً برای اجرای مجازات نیست، بلکه به منظور اعمال مجازات توسط او به همراه مددکاران اجتماعی، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان برای تطبیق دادن احکام با روحيات و شخصیت مجرمین و محکومان، در راستای اصلاح آنان است. بنابر این دخالت قاضی اعمال مجازات‌ها، به منظور فردی کردن اجرای مجازات است. (کوشا، ۱۳۷۳: ۲۳۶) در مجموع باید گفت علت کنترل مقامات قضایی در اجرای مجازات این است که وظیفه قاضی با صدور حکم محکومیت پایان نمی‌پذیرد، بلکه باید بر کیفیت اجرای مجازات نیز نظارت شود تا مجازات با رعایت ویژگی‌های مختص محکوم اجرا شود.

برای اجرای مجازات حبس در قانون ایران از دیر باز مقررات فردی‌سازی پیش‌بینی شده است. در حال حاضر نیز موادی از آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی کشور (مصوب ۱۳۸۰) با این موضوع مرتبط است. در این زمینه،

۱. در این زمینه بنگرید به آیین‌نامه کمیسیون عفو و بخشودگی (مصوب ۱۳۷۳).

از مجموع احکام و مقررات ناظر بر تعزیرات می‌توان ویژگی‌های زیر را برشمرد.

اولاً: تعزیر، کیفری نامعین است؛ ثانیاً: یک ضرورت است، لذا به حداقل آن اکتفا می‌شود «الضرورت تقدر بقدرها»؛ ثالثاً: در تعزیر، شخصیت مجرم، وضع روحی و جسمی و شرایط زمان و مکان دخالت دارد؛ رابعاً: حاکم در آن حق عفو دارد؛ خامساً: در اجرای تعزیر، باید امید به اصلاح و تأدیب وجود داشته باشد؛ سادساً: تعزیر، تناسب مستقیم با جرم و حالات مجرم دارد؛ سابعاً: مطلقاً با توبه ساقط می‌شود؛ ثامناً: قابل شفاعت است؛ تاسعاً: باید کمتر از حد باشد. (آملی، بی‌تا: ۴۲۹) نحوه تعیین مجازات تعزیری نیز بر مبنای قاعده «التعزیر بما یراه الامام یا التعزیر الی الامام یا التعزیر بما یراه الحاکم» می‌باشد. به عنوان نمونه صاحب جواهر، در شرح روایتی از قول سماعه از امام صادق (ع)، نحوه تعیین مجازات تعزیری را وظیفه والی می‌داند که بنا بر صلاحدید خودش اجرا می‌نماید. (نجفی، بی‌تا: ۶۳۹/۴۱) لذا گفتار فقها در خصوص قاعده مورد بحث مختلف است، ولی هیچ‌کدام از محدوده ولایت کبری فراتر نمی‌روند. برخی «سلطان الاسلام» یا «سلطان» و برخی دیگر «امام» یا «ولی امر» و یا «ولی الامر» گفته‌اند؛ که مقصود از این تعبیر، امام معصوم (ع) و کسانی است که شایستگی نیابت آن مقام را داشته باشند. (محقق داماد، ۱۳۹۱: ۲۳۱)

به بیانی دیگر، تعزیرات که قسمت عمده مجازات‌های نظام کیفری اسلام را تشکیل می‌دهد، عمدتاً به منظور حفظ، اصلاح و تربیت مجرمین، بازداشتن آنها از ارتکاب جرم، متنبه نمودن سایر مردم، حفظ مصالح فردی و اجتماعی و نیز حراست از ارزش‌های دینی تشریع شده است. با توجه به این نکته که تعیین نوع، مقدار و میزان تعزیرات در ید حاکم است و در واقع حالت انعطاف‌پذیری دارد، اصل فردی کردن مجازات‌ها، علی‌الاطلاق در مجازات‌های تعزیری قابل اعمال است. به عبارت دیگر، قاضی می‌تواند حالات، روحيات و سابقه مجرم را در نظر گرفته و برای او مجازات مناسب تعیین کند، اگرچه این اختیار و صلاحیت تا حدودی محدود شده و یا دارای حداقل و حداکثر باشد تا از اقدام‌های خودسرانه قضات جلوگیری کند. امروزه اکثر حقوق‌دانان نیز بر این باورند که

مجازات مشابه برای جرایم مشابه عملاً منجر به عدالت نمی‌شود. زیرا الزاماً باعث اعمال مشقت یکسان بر افراد نبوده و بسته به شخصیت و موقعیت اجتماعی، امکانات مالی، وضعیت جسمانی و... متغیر خواهد بود. (صانعی، ۱۳۷۴: ۱۴۱)

بنابراین اصل فردی کردن مجازات‌ها یکی از جلوه‌های عدالت مبتنی بر مفهوم انصاف و عدالت قضایی بوده که صدور حکم و اجرای عادلانه‌تر مجازات‌ها را نسبت به مجرمین متفاوت تضمین می‌نماید.

۳-۱-۳- ضرورت اصلاح و درمان مجرم

اصلاح و درمان مجرمین هم از کارکردها و هم از مبانی اصل فردی کردن مجازات‌ها محسوب می‌شود. چراکه اصلاح و درمان مجرمین متفاوت نیز از مسیر اعمال اصل فردی کردن مجازات‌ها میسر می‌گردد. تربیت مجدد، بازگشت به اجتماع و همچنین ممانعت از تکرار جرم بزه‌کاران ایجاب می‌نماید که قاضی با مطالعه شخصیت و اوضاع و احوال فردی و اجتماعی، مجازات قانونی آنها را فردی نموده و مجازات‌هایی را منطبق بر شخصیت، روحیه، اخلاق و شرایط آنها انتخاب نماید.

۳-۱-۴- ضرورت بازدارنده بودن مجازات نسبت به مجرم

از آنجا که شخصیت و موقعیت بزه‌کاران متفاوت است، آثار ارعابی و درجه بازدارندگی مجازات بر آنها نیز متفاوت می‌باشد. لذا کیفر فردی شده نیز، می‌تواند آثار ارعابی و درجه بازدارندگی را به نحو مطلوب‌تری برای بزه‌کاران، به دنبال داشته باشد.

۳-۲- مبانی فقهی اصل فردی کردن مجازات‌ها

اصل فردی کردن مجازات‌ها، در واقع عنوانی وام گرفته از حقوق کشورهای غربی و وارداتی است. لکن در فقه جزایی اسلام از همان ابتدای تشریع و در زمان رسول گرامی اسلام (ص) مورد توجه قرار گرفته است. فقهای اسلامی نیز بر ضرورت وجودی آن تأکید کرده و مبانی و سوابق زیادی را برای آن برشمرده‌اند که با توجه به اختصار مطالب در ذیل مهم‌ترین آنها معرفی می‌گردد.

۳-۲-۱- قاعده فقهی «التعزیر بما یراه الحاکم»

در ارتباط با شفاعت دنیوی در آیه ۸۵ سوره نساء^۱ آمده است که شفاعت از مجرم نزد حاکم در جایی است که فساد بر آن مترتب نمی‌شود و نیز منع از آن در جایی است که موجب مفسده‌ای می‌گردد.

به طور کلی شفاعت در تعزیرات و همچنین جرایم حدی که قابل عفو باشد، جاری است. به عبارت دیگر جرم حدی که قابل عفو باشد قابل شفاعت نیز می‌باشد. در واقع شفاعت می‌تواند متمم و مکمل عفو باشد و نه علت تامة آن. در بیان شرایط اجرا و پذیرش شفاعت نیز بایستی متذکر گردید که کسی که به نفع او نزد حاکم شفاعت می‌گردد، تکرار کننده جرم نبوده و حالت خطرناک نداشته نباشد. در شفاعت کننده نیز باید به شرط عدم سوء شهرت و عدم سوء پیشینه کیفری اکتفا شود تا حق شفاعت در انحصار عده‌ای خاص قرار نگیرد تا منجر به تبعیض و بی‌عدالتی گردد. (حسینی، ۱۳۸۳: ۲۳۹)

چیزی که امروزه در حقوق کیفری غرب، تحت عناوین سیاست جنایی مشارکتی و عدالت ترمیمی مشاهده می‌کنیم، اقتباس جلوه‌هایی از نهاد شفاعت است که در فقه جزایی اسلام پیش‌بینی و مورد پذیرش قرار گرفته است. اصل فردی کردن مجازات‌ها نیز، با توجه به اینکه نوع نگرش شفیع و قاضی بر حسب آشنایی با سوابق، روحیات و شخصیت مجرمین متفاوت بوده، در قالب نهاد شفاعت پیش‌بینی گردیده است.

۴- جلوه‌های اصل فردی کردن مجازات‌ها در قانون مجازات اسلامی جدید (مصوب ۱۳۹۲)

با توجه به مبانی عرضه شده در فقه امامیه در خصوص اختیارات قاضی در باب تعزیرات و وجود قاعده فقهی بما یراه الحاکم و نیز توجه ضروری به این امر که با احراز شرایطی از جمله توبه پیش از اتقان امر، در صورتی که دادرس، توبه را در شخص درونی تشخیص دهد و عدم اجرای مجازات یا تخفیف در آنرا مفید به حال مجرم تشخیص دهد، می‌تواند از اجرای تمام یا بخشی از مجازات صرف نظر نماید.

بهترین عامل در تأمین عدالت اجتماعی و امنیت قضایی و تضمین حقوق انسان‌ها همان اجرای تعزیرات است. (فیض، ۱۳۷۹: ۵۳۴)

۳-۲-۳- نهاد توبه

یکی از مباحث مهم فقهی که توجه به فلسفه کیفر، کاملاً در آن مشهود است، مبحث توبه به عنوان یکی از عوامل سقوط مجازات است. در حالی که قاعده کلی در قوانین موضوعه آن است که توبه و ندامت، مجازات را ساقط نمی‌کند، در نظام کیفری اسلام، توبه یکی از علل مهم سقوط عفو و تخفیف مجازات بوده و از ابزارهای فردی کردن مجازات‌ها محسوب می‌گردد. از دیدگاه قرآن کریم «توبه» به عنوان عاملی برای سقوط مجازات معرفی شده است. اما شرط تحقق توبه و احراز آن توسط قاضی، اصلاح و تربیت مجرم و بازسازگاری او است. در روایتی از صادقین علیهما السلام درباره سارق یاشارب خمر یا زناکاری که جرم او معلوم نگردد یا دستگیر نشود، آمده است: -اذا صلح و عرف منه امر جمیل لم یقم علیه الحد- تا زمانی که اصلاح شده و کار نیکی از او شناخته شده، حد را بر او جاری نکنید. (کافی، ۱۴۱۳: ۲۴۸/۷) در کتاب المراسم العلویه و الاحکام النبویه نیز در باب حد السرقة اشاره می‌نماید که در صورت رؤیت توبه از سوی حاکم و تشخیص صلاح مجرم در جاری نشدن مجازات یا تخفیف، حاکم می‌تواند بدان اقدام نماید. (دیلمی، ۱۴۰۴: ۲۵۹)

توجه عمیق به این نهاد ارزشمند در نظام کیفری اسلام و پاره‌ای از روایات مربوط به آن نشانگر این است که اسلام به مجازات به عنوان یک امر مطلق و ابزار مطلوب نمی‌نگرد و با اعمال اصل فردی کردن مجازات‌ها، در حقیقت به اصلاح و تربیت مجرم، بازداشتن وی از ارتکاب دوباره جرم، بازدارندگی عمومی مجازات و در نهایت به مصلحت جامعه می‌اندیشد.

۳-۲-۳- نهاد شفاعت (میانجیگری)

یکی دیگر از مبانی فقهی اصل فردی کردن مجازات‌ها وجود نهاد شفاعت در فقه جزایی اسلام است. شفاعت را در لغت به خواهشگری و پایمردی معنا نموده‌اند. (دهخدا/ ذیل کلمه) در اصطلاح نیز به میانجیگری نزد حاکم به نفع مجرم، شفاعت گفته می‌شود که به دو نوع دنیوی و اخروی تقسیم می‌گردد.

۱- مَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا وَمَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقِيتًا.

- قلمروی اعمال تخفیف مجازات به موجب قانون جدید کلیه جرایم مستوجب کیفر تعزیر می‌باشد و فردی کردن قضایی مجازات، با توجه به جمله «ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده» در ماده ۴۰ مورد توجه قرار گرفته است. بدین ترتیب پیش‌بینی کیفیات مخففه و تدابیر مساعد کننده توسط قانون‌گذار، همچنین به‌کارگیری آنها توسط قضات، از مصادیق بارز تفرد تقنینی و قضایی مجازات‌ها در اعمال اصل فردی کردن مجازات‌ها می‌باشد.^۱

۴-۲- مجازات‌های تکمیلی^۲

از دیگر جلوه‌های مهم اصل فردی کردن مجازات‌ها در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پیش‌بینی مجازات‌های تکمیلی است که دادگاه را در صدور حکم به یک یا چند مورد از مجازات‌های تکمیلی مندرج در ماده ۲۳ ق.م.ا مخیر می‌سازد.

در جرایم مهم اعم از جرایم مستوجب حد، قصاص یا مجازات تعزیری درجه شش تا درجه یک که قاضی دادگاه مجازات اصلی را کافی تشخیص ندهد، می‌تواند با رعایت تناسب میان جرم ارتكابی و خصوصیات مجرم با مجازات‌های مندرج در ماده ۲۳ ق.م.ا به یک یا چند مورد از مجازات‌های تکمیلی به عنوان مکمل مجازات اصلی حکم دهد.

طبق ماده ۲۳ ق.م.ا «دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی زیر محکوم نماید:

۱- از دیگر مصادیق بارز اصل فردی کردن مجازات‌ها در قانون مجازات اسلامی جدید ۱۳۹۲ که از فلسفه وجودی یکسانی با موارد تخفیف مجازات برخوردار می‌باشد موارد تشدید مجازات است که مقنن با توجه به شخصیت مجرم و شرایط و احوال جرم ارتكابی به پیش‌بینی آن مبادرت نموده است. در این زمینه به ماده ۱۳۰ ق.م.ا رجوع نمایید.

۲- از ویژگی‌های بارز مجازات‌های تکمیلی و از اهداف اجرای آن نیز به ۱- اختیاری بودن، ۲- ضرورت قید شدن در حکم، ۳- خنثی نمودن حالت خطرناک مجرم، ۴- اصلاح و باز اجتماعی کردن مجرم، و ۵- طرد و ناتوان‌سازی مجرم می‌توان اشاره کرد.

قانون‌گذار نیز در نگارش قانون جدید سعی نموده است تا در قالب تدوین مواد و پیش‌بینی تأسیساتی که در ادامه می‌آید شرایط را برای حاکمیت قوانین الهی- که با عقل نیز به وضوح در تعامل است و بشر امروزی بر حسب تجربه عقلانی آنرا تأیید می‌کند- در جاری ساختن اصل فردی کردن مجازات‌ها فراهم نماید. اصل فردی کردن مجازات‌ها در قانون مجازات اسلامی جدید (مصوب ۱۳۹۲) دارای جلوه‌های فراوانی است که در مواد و تأسیسات زیر اهم این جلوه‌ها به صور گوناگون تبلور یافته‌اند.

۴-۱- تخفیف/ تدابیر مساعد کننده مجازات

یکی از جلوه‌های مهم اصل فردی کردن مجازات‌ها در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پیش‌بینی تخفیف و تدابیر مساعد کننده مجازات با توجه به شخصیت، شرایط و اوضاع و احوال مجرم است و در پرتو همین تخفیف و تدابیر است که امکان اعمال کیفر عادلانه و فردی شده برای نیل به اهداف اصلاحی و بازپرورانه مهیا می‌گردد که در ذیل به برخی از مهمترین آنها خواهیم پرداخت.

- در ماده ۳۷ ق.م.ا مصادیق تخفیف نوع مجازات در بندهای (الف، ب، پ، ت) شمارش شده است. بنابراین، قانون‌گذار سعی کرده است تا صورتی منظم و قانونی به تخفیف بدهد.

- در صدر ماده ۳۷ ق.م.ا تخفیف یا تبدیل مجازات‌ها مختص تعزیر معرفی شده و لذا حد یا قصاص از شمول این بخش خارج شده و به قانون خاص ارجاع شده است.

- قانون‌گذار در ماده ۳۹ ق.م.ا دادگاه را مکلف می‌نماید تا در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، از سیستم معافیت استفاده کند، همچنین در ماده ۶۵ ق.م.ا مقرر می‌نماید: مرتکبین جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها سه ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند، در حقیقت از معاذیر قانونی تخفیف دهنده استفاده شده است. در حالی که در ماده ۶۷ ق.م.ا با رعایت شدت جرم، دادگاه را مخیر میان استفاده از حبس و مجازات‌های جایگزین زندان نموده و این یعنی معاذیر قضایی، که در آنها قاضی، مختار به اعمال کیفیات است.

الف) اقامت اجباری در محل معین. ب) منع از اقامت در محل یا محل‌های معین. پ) منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین. ت- انفصال از خدمات دولتی و عمومی و»

از دیگر نکات مثبت پیش‌بینی شده توسط قانون‌گذار در این زمینه می‌توان به ماده ۲۴ ق.م.ا اشاره کرد که هم امکان افزایش مدت مجازات تکمیلی را در صورت عدم رعایت مفاد حکم از سوی محکوم و هم کاهش یا لغو مدت زمان مجازات تکمیلی را در صورت اطمینان به عدم تکرار جرم و اصلاح مجرم فراهم نموده است. در واقع مقنن با پیش‌بینی مقرره‌های فوق (ماده ۲۳ و ۲۴ ق.م.ا) امکان رعایت هر چه بیشتر تناسب جرم و مجازات و نیز اصل فردی کردن مجازات‌ها را فراهم نموده است تا در پرتو آن هم جنبه ارعایی و باز دارنده و هم کار کردهای اصلاحی و بازپرورانه مجازات را حفظ نماید.

۳-۴- تعویق^۱ صدور حکم

از جمله نورآوری‌های قانون جدید، بحث نهاد تعویق صدور حکم است که فلسفه خاصی دارد. در واقع، تعویق صدور حکم ابتکار جدیدی است که در جرایم تعزیری با توجه به شرایط جبران خسارت و پیش‌بینی اصلاح مجرم، می‌توان صدور حکم را به تعویق انداخت.

برخی از اساتید حقوق (باهری، ۱۳۸۴: ۴۸۲)، تعویق صدور حکم را اعم از تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط دانسته‌اند، ولی با توجه به اینکه در قانون ۱۳۹۲ بحث تعویق و تعلیق در دو مبحث جداگانه به کار رفته است، به نظر می‌رسد که نویسندگان قانون در پی ایجاد نظام حقوقی جدیدی بوده‌اند.

اگرچه در قانون مجازات اسلامی تعریفی از این نهاد ارائه نشده است ولی باید گفت تعویق صدور حکم در اصطلاح به معنای اختیار دادگاه صالح در به تأخیر انداختن صدور حکم بعد از مجرم شناختن بزه‌کار می‌باشد. (گران، ۱۹۸۸: ۲۷۶) در واقع قاضی با توجه به شرایط، اوضاع و احوالی که فرد مرتکب جرم شده، خصوصیات فردی، اجتماعی و خانوادگی

وی صدور حکم را به تعویق می‌اندازد تا با این تصمیم موجبات اصلاح و باز اجتماعی شدن مجرم را فراهم کند. به این ترتیب می‌توان تعویق صدور حکم را به این شکل تعریف نمود: «عدم صدور حکم محکومیت پس از مجرم شناختن فرد مرتکب با توجه به خصوصیت جرم ارتكابی و ویژگی‌های فردی وی.»

نهاد تعویق صدور حکم یکی از شیوه‌های پیش‌بینی شده در قانون مجازات اسلامی جدید است که در جهت سیاست تفرید مجازات‌ها در مرحله دادرسی گام برمی‌دارد. به این ترتیب دادگاه با ملاحظه وضعیت فردی و اجتماعی و همچنین اوضاع و احوالی که شخص مرتکب جرم شده است، این اختیار را دارا است تا با اعمال این نهاد، در تعیین کیفر برای مجرم شتاب نکند و با اعطای فرصت دوباره به مرتکب جرم رویکرد جدید و اصلاحی وی را محک بزند. همانطور که ملاحظه شد، بن مایه نهاد تعویق صدور حکم، برگرفته از سیاست تفرید مجازات‌ها می‌باشد.

۴-۴- تعلیق^۲ اجرای مجازات

تعلیق اجرای مجازات را یکی از ابزارهای قضایی سیاست تفرید مجازات‌ها برشمرده و از مزایای آن به جلوگیری از ورود مجرمین، به ویژه محکومین بدوی به زندان - به دلیل محیط ناسالم و بد آموز آن - اشاره داشته‌اند.

تعلیق اجرای مجازات از جمله نهادهایی است که در قانون اصلاح پارهای از قوانین دادگستری و قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ برقرار بوده است. لکن در قانون جدید (مصوب ۱۳۹۲) تغییرات بسیاری داشته و در این زمینه با قوانین سابق دارای تفاوت‌های اساسی است که در ذیل به برخی از این موارد اشاره خواهیم کرد.

- در ماده ۴۸ تعلیق مجازات به دو صورت ساده و مراقبتی پیش‌بینی شده است که بازتاب نگاه‌های جرم‌شناسانه و سیاست کیفری علمی قلمداد می‌گردد. در صورت اول مجرم اخلاقاً متعهد می‌گردد که در زمان مشخصی که دادگاه میزان آن را تعیین می‌کند، مرتکب جرم نشود. این نوع از تعلیق با

² - Probation

¹ - Deferment

توجه به وضعیت اجتماعی، سوابق، اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده، تعیین می‌گردد.

- در ماده ۴۶ که در مقابل ماده ۲۸ ق.م.ا سابق قرار دارد، با ارجاع قانون‌گذار به ماده ۴۰، عبارت ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده به شرایط سابق اضافه شده است که نشان‌گر توجه نویسندگان به تمایز میان حالات شخصی و شرایط اجتماعی است. بنابراین نهاد تعلیق اجرای مجازات نیز در راستای سیاست تفرید مجازات‌ها و به دنبال اندیشه‌های اصلاح‌گرایانه بوده که در قانون مجازات اسلامی جدید گنجانده شده است.

۴-۵- آزادی مشروط و نظام نیمه آزادی

اعطای آزادی محکومان زندانی قبل از مدت مقرر توسط دادگاه صادر کننده حکم قطعی، پاسخی است به یکی از اهداف مجازات که همان اصلاح بزه‌کار و آماده ساختن وی برای بازگشت به زندگی اجتماعی است. (گلدوزیان، ۱۳۷۶: ۳۶۷) نهاد آزادی مشروط و نظام نیمه آزادی تأسیساتی هستند که برای نیل به این اهداف یعنی بازسازی اجتماعی و نیز دوری از محیط جرم‌زای زندان تعبیه شده‌اند.

نظام نیمه آزادی - که برای اولین بار در قوانین کیفری کشور وارد شده است - نیز طبق ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی جدید، شیوه‌ای است که بر اساس آن محکوم می‌تواند در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، درمانی و نظایر اینها را در خارج از زندان انجام دهد. اجرای این فعالیت‌ها زیر نظر مراکز نیمه آزادی است که در سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تأسیس می‌شود.

نهاد حقوقی حاضر دارای تفاوت‌های بنیادین با موضوع فصل چهارم قانون مجازات اسلامی سابق (۱۳۷۰) است؛ به طوری که علاوه بر آن که چهره جدیدی از آزادی مشروط ارائه شده است، نهاد تأسیسی جدیدی را تحت عنوان نظام نیمه آزادی برای اجرای مطلوب‌تر سیاست‌های تفریدی و اصلاحی مجازات‌ها ایجاد کرده است.

از جمله مواد مهم و مترقی در قانون جدید مصوب ۱۳۹۲ نیز ماده ۶۲ می‌باشد که امکان استفاده از سیستم کنترل الکترونیکی در محدوده مکانی مشخص را در صورتی که محکوم به حبس موافقت نماید، در جرایم تعزیری درجه ۵ تا ۸ فراهم آورده است. زیرا اولاً با گنجاندن رضایت مجرم، احترام به کرامات انسانی بزه‌کار لحاظ شده است و ثانیاً امکان کنترل و نظارت بر وی به بهترین شیوه اعمال شده، کیفرها خود را با علوم روزآمد هماهنگ نموده و به پویایی رسیده‌اند. بنابراین آزادی مشروط و نظام نیمه آزادی نیز از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین جلوه‌های اصل فردی کردن مجازات‌ها می‌باشد که در راستای اجرای مجازات‌های عادلانه‌تر و منصفانه در قانون مجازات اسلامی جدید پیش‌بینی شده است.

۴-۶- مجازات‌های جایگزین حبس

از جمله نوآوری‌های قانون جدید مجازات اسلامی که از دیگر جلوه‌های مهم اصل فردی کردن مجازات‌ها می‌باشد، مجازات‌های جایگزین حبس است. از دلایل و ضرورت‌های راهیابی مجازات‌های جایگزین حبس به نظام مجازات‌ها در دستگاه عدالت کیفری می‌بایست به هزینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فراوان حبس، به خصوص حبس‌های کوتاه مدت برای مجرم، خانواده وی و جامعه در کنار سایر معایب زندان‌ها اشاره کرد. در واقع در قانون جدید سعی شده است تا حد ممکن از صدور حکم به مجازات حبس خودداری شده و جز در موارد ضروری از سوی قضات اعمال نگردد. به عبارت دیگر به حبس به مثابه آخرین راه چاره نگریسته شود.

طبق ماده ۶۴ ق.م.ا: «مجازات‌های جایگزین حبس عبارت از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است که در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه‌دیده و سایر اوضاع و احوال، تعیین و اجرا می‌شود.» بر اساس تبصره ماده ۶۴ ق.م.ا نیز «دادگاه در ضمن حکم، به سختیت و تناسب مجازات مورد حکم با شرایط و کیفیات مقرر در این ماده تصریح می‌کند. دادگاه نمی‌تواند به بیش از دو نوع از مجازات‌های جایگزین حکم دهد.» با تأمل در ماده ۶۴ ق.م.ا و تبصره ذیل آن، میزان تطابق اکثر شرایط مندرج در

صورت که هر کس به نسبت میزان درآمد روزانه خود درصدی از آن را به عنوان جزای نقدی پرداخت خواهد کرد، که این شیوه در مقایسه با جزای نقدی ثابت به عدالت نزدیک‌تر است.

همانطور که ملاحظه شد، مجازات‌های جایگزین حبس و مقرره‌های ویژه آن، از پیشرفته‌ترین مقرراتی است که در راستای اجرای اصل فردی کردن مجازات‌ها و اهداف اصلاحی و بازپرورانه آن در قانون جدید پیش‌بینی گردیده است.

نتیجه‌گیری

محققین از مطالعه و بررسی‌های فراوانی که در مورد نتایج اعمال الگوهای کیفری و الگوهای اصلاحی و درمانی انجام داده‌اند، به این نتیجه دست یافته‌اند که تنها راه برون‌رفت از وضعیت فعلی که جهان امروز و خصوصاً جامعه ایران با آن روبه‌رو شده است - که هر روز نیز شاهد افزایش نرخ جرایم و تکرار جرم هستیم - اولویت بخشی در به‌کارگیری الگوهای پیشگیرانه، اصلاحی و درمانی نسبت به الگوهای کیفری است. یکی از کلیدی‌ترین راهبردهای این الگوهای پیشگیرانه، اصلاحی و درمانی، به‌کارگیری سیاست‌های تفرد مجازات است که جوهره اصلی آن را، اعمال اصل فردی کردن مجازات‌ها در انواع سه گانه تقنینی، قضایی و اجرایی و نیز مراحل پیش از دادرسی، دادرسی و پسا دادرسی تشکیل می‌دهد. این الگوهای پیشگیرانه، اصلاحی و درمانی بر تفاوت‌های فردی و اجتماعی بزه‌کاران مبتنی می‌باشد. چرا که تفاوت‌های فردی و اجتماعی بزه‌کاران، ضرورت اعمال اصل فردی کردن مجازات‌ها را برای نیل به بازدارندگی و جلوگیری از تکرار جرم، اصلاح و درمان مجرم و از همه مهم‌تر اجرای عدالت مشخص می‌کند.

قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران نیز در قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، با اتخاذ رویکردی نوین و اصلاحی و همچنین پیش‌بینی تأسیس‌های جدیدی چون تعویق صدور حکم و نظام نیمه آزادی، در راستای سیاست‌های تفرد مجازات و نیز اعمال اصل فردی کردن مجازات‌ها، سعی کرده

آن با روح اصل فردی کردن مجازات‌ها، به وضوح قابل درک است.

طبق ماده ۷۷ ق.م.ا نیز «قاضی اجرای احکام می‌تواند با توجه به وضعیت محکوم و شرایط و آثار اجرای حکم، تشدید، تخفیف، تبدیل یا توقف موقت مجازات مورد حکم را به دادگاه صادر کننده رأی پیشنهاد کند.» لذا بر اساس ماده ۷۷ ق.م.ا نیز امکان رعایت هرچه بیشتر اصل فردی کردن مجازات‌ها در مورد محکومین فراهم آمده است.

از دیگر مواد مرتبط با نهاد مجازات‌های جایگزین حبس، در راستای اجرای اصل فردی کردن مجازات‌ها می‌بایست به موارد ذیل اشاره کرد:

- ماده ۸۰ ق.م.ا که چنانچه رعایت مفاد حکم دادگاه از سوی محکوم حاکی از اصلاح رفتار وی باشد، دادگاه می‌تواند به پیشنهاد قاضی اجرای احکام برای یک بار بقیه مدت مجازات را تا نصف تقلیل دهد.

- تبصره ۱ ماده ۸۴ ق.م.ا که بین افراد شاغل و غیر شاغل در ساعات ارائه خدمات عمومی فرق قائل شده و برای شاغلین تا سقف چهار ساعت و برای غیر شاغلین تا هشت ساعت را در نظر گرفته است.

- تبصره ۲ ماده ۸۴ ق.م.ا که حکم به ارایه خدمات عمومی را مشروط به رعایت همه ضوابط و مقررات قانونی مربوط به آن خدمت از جمله شرایط کار زنان و نوجوانان، محافظت‌های فنی و بهداشتی و ضوابط خاص کارهای سخت و زیان‌آور می‌داند.

- تبصره ۴ ماده ۸۴ ق.م.ا که قاضی اجرای احکام را مخیر نموده است تا بنا به وضع جسمانی و نیاز به خدمات پزشکی یا معذوریتهای خانوادگی و مانند آن انجام خدمات عمومی را به طور موقت و حداکثر تا سه ماه تعلیق نماید یا تبدیل آن را به مجازات جایگزین دیگر به دادگاه صادر کننده حکم پیشنهاد دهد.

- ماده ۸۵ ق.م.ا که مبنای محاسبه میزان جزای نقدی را به نسبت میزان درآمد روزانه محکوم قرار داده است. بدین

است تا در قالب قوانین و مقررات تحول یافته از الگوهای پیشگیرانه، اصلاحی و درمانی پیروی نماید.

باتوجه به تبعیت قانون‌گذار جمهوری اسلامی از شریعت مقدس اسلام و نظر به اینکه اصل فردی کردن مجازات‌ها قرن‌ها قبل از پیدایش آن در حقوق کیفری غرب، در فقه جزایی اسلام لحاظ گردیده، شایسته و بایسته است که مقنن اسلامی با در نظر گرفتن اجتهاد پویا، به بررسی سوابق اصل فردی کردن مجازات‌ها در منابع فقه اسلامی همت گماشته و در قانون‌گذاری خود از آن الگوگیری نماید. در این زمینه می‌توان به قاعده فقهی «التعزیر بما یراه الحاکم»، نهاد توبه و به طور خاص تأسیس شفاعت یا میانجیگری و... اشاره نمود که همواره باید مبنای عمل قانون‌گذار باشد.

علی‌رغم مطرح بودن مسأله شفاعت در منابع و آثار فقهی و مشروعیت آن و علی‌رغم اینکه قانون‌گذار اسلامی، نهاد هایی مانند تعلیق و آزادی مشروط را که ابداعاتی در حقوق کیفری غرب به شمار می‌روند با مبانی حقوق جزایی اسلام سازگار دانسته و امضاء و تقنین نموده است، به مسأله شفاعت یا میانجیگری نزد حاکم به نفع مجرم توجهی نکرده و از آن به سکوت گذشته است. در همین زمینه انطباق احکام شرعی با مقتضیات زمانی و مکانی را نیز می‌توان نوعی فردی‌سازی احکام اسلامی در سطح گسترده زمانی و مکانی دانست و یا نوع دیگری از این فردی‌سازی را می‌توان در انطباق احکام شرعی با «موقعیت‌های ویژه شخصی» مشاهده کرد که به نوبه خود سهم مهمی در اعمال اصل فردی کردن مجازات‌ها دارد.

در همین راستا، منظور نمودن تشکیل پرونده شخصیت در کنار پرونده کیفری در قوانین مربوط به آیین دادرسی کیفری، اجبار قاضی در استفاده از نظریات کارشناسان روانی و مددکاران اجتماعی، توجه به تاریخچه زندگی مجرم در تمام پرونده‌های کیفری یا حداقل جرایم مهم، تأسیس نهادهای حمایتی واسطه میان زندان و جامعه - چرا که اکثر مجرمان پس از آزادی از زندان به دلیل نداشتن شغل، مسکن، خانواده، احساس بی‌هویتی و فقر، مجدداً دست به ارتکاب جرم می‌زنند- و همچنین تأسیس نهادهای حمایت از خانواده

زندانی در هنگام حبس سرپرست خانواده- تا از تولد بزه‌کاران جدید جلوگیری به عمل آید- از جمله پیشنهادهایی است که در صورت عملی شدن در نظام قضایی ایران، هم راه را برای اعمال فراگیر اصل فردی کردن مجازات‌ها باز خواهد کرد و هم بسیاری از اهداف عالیه دستگاه عدالت کیفری را در عرصه عمل محقق خواهد نمود.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله توسط نویسنده اول و نظارت بر آن برعهده نویسنده دوم بوده است.

تشکر و قدردانی: از تمامی کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی و عربی

- قرآن کریم.

- اردبیلی، محمد علی (۱۳۸۷). *حقوق جزای عمومی*. جلد دوم، چاپ نوزدهم، تهران: نشر میزان.

- آشوری، محمد (۱۳۷۹). *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول، چاپ نخست، تهران: انتشارات سمت.

- آملی، بهاء الدین (بی‌تا). *جامع عباسی*. تهران: انتشارات فراهانی.

- آنسل، مارک (۱۳۶۶). *دفاع اجتماعی*. ترجمه محمدآشوری و علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران: راهنما.

- باهری، محمد (۱۳۸۴). *حقوق جزای عمومی*. تهران: مجد.

- بکاریا، سزار (۱۳۷۹). *جرایم و مجازات‌ها*. ترجمه محمد علی اردبیلی، چاپ نخست، تهران: دانشگاه بهشتی.
- بولک، برنار (۱۳۸۶). *کیفرشناسی*. ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- پرادل، ژان (۱۳۸۸). *تاریخ اندیشه‌های کیفری*. ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران: انتشارات سمت.
- حر عاملی، الشیخ محمد بن الحسن (۱۳۸۷ق). *وسائل الشیعه*. جلد هجدهم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حسینی، سید محمد (۱۳۸۸). *سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات سمت.
- حلبی، السالم عیاد (۱۹۹۶). *القانون الجنایی*. قاهره: نشر دار الاحیاء التراث العربی.
- دانش، تاج زمان (۱۳۷۸). *دادرسی اطفال بزه‌کار در حقوق تطبیقی*. تهران: نشر دادگستر.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲). *لغت نامه*. جلد پنجم، چاپ نخست، تهران: دانشگاه تهران.
- دیلمی، سلار بن عبد العزیز (۱۴۰۴). *المراسم العلویه و الاحکام النبویه فی الفقه الامامیه*. قم: نشر منشورات الحرمین.
- شهید اول، محمد بن جمال الدین مکی (۱۴۱۴). *غایه المراد فی شرح نکت الارشاد*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- شهید اول، محمد بن جمال الدین مکی (بی‌تا). *رسائل*. قم: نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- صانعی، پرویز (۱۳۷۴). *حقوق جزای عمومی*. تهران: گنج دانش.
- فیض، علی رضا (۱۳۷۹). *مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام*. چاپ پنجم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۰). *مقدمه علم حقوق*. چاپ سیزدهم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۳). *فروع الکافی*. جلد هفتم، بیروت: دار الاضواء.
- کوشا، جعفر (۱۳۷۳). «قاضی اعمال کننده مجازات‌ها در حقوق فرانسه». *مجله کانون وکلای*، شماره ۱۶۴: ۶۷-۸۹.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۷۶). *حقوق جزای عمومی*. تهران: مجد.
- مارتینز، رنه (۱۳۸۲). *تاریخ حقوق کیفری اروپا*. ترجمه محمد رضا گودرزی بروجردی، تهران: مجد.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۹). *قواعد فقه بخش جزایی*. تهران: مرکز نشر علوم انسانی.
- مرعشی شوشتری، سید محمد حسن (۱۳۷۸). *دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام*. جلد دوم، تهران: میزان.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۸). *انوار الفقاهه*. جلد دهم، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب.
- نجفی، محمد حسن (بی‌تا). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*. جلد چهل و یکم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۹۱). *چرایی و چگونگی مجازات*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

ب. منابع انگلیسی

- Ashworth, A (1993). *Criminal Justice and Deserved Sentences*. London: Cambridge Press.
- Feletcher, G (1999). *Basic Concepts of Legal Thought*. New York: Oxford university press.
- Grant, W, (1988). *Sentence Deferred- useful Psychiatric Recommendation*. London: Bulletin of the RoyalCollege of Psychiatrists.
- Walker, N, (1985). *Sentencing Theory Law and Practice*. London: Butterworths.